



اسناد تاریخی، علمی و سیاسی درباره یک آبراه مهم جهانی چه می‌گویند؟

خلیج فارس؛ از سند داریوش تا اقرارنامه انگلیسی‌ها در عصر قاجار



یادداشت

علی اکبرولایتی
مشاور امور بین‌الملل
رهبر انقلاب اسلامی

دهم اردیبهشت در تقویم رسمی ما روز مهی است. این روز یادآور دلاوری‌های فرزندان غیور ملت ایران در سراسر تاریخ ایران بزرگ و پرافتخارمان در دفاع از خلیج تا ابد فارس به عنوان سومین خلیج بزرگ جهان است و «روز ملی خلیج فارس» نام دارد. در این روز بود که ایرانیان تحت رهبری نظامی امیرالامرای فارس، امام‌قلی خان و به فرمان شاه عباس صفوی، اشغالگران متجاوز پرتغالی را پس از ۱۱۷ سال تسلط چیرانه بر سواحل جنوبی کشور از مرزهای خاکی و آبی ایران بیرون راندند. شاید امروز در شرایط و تحولات سیاسی و نظامی منطقه یادکردن این تاریخ پرافتخار ما ایرانیان که خاطره مشترک ماست، بیش از هر زمان مناسب باشد. این مقاله نگاهی گذرا دارد به وجوه اصالت نام «خلیج فارس» و سپس یادی از رشادت ایرانیان در پاسداری پهنه نیلگون خلیج فارس در برابر بداندیشی و تعدی ناپاکران.

نام خلیج فارس

اسناد تاریخی درباره اصالت نام خلیج فارس پرشمار است. داریوش بزرگ هخامنشی در کتیبه «آبراه سوئز» مشهور است، می‌نویسد: «من پارسی هستم. از پارس، در مصر ارگرفتم. من فرمان‌کننده این آبراه را دادم. از رودخانه‌ای که نام لیل که در مصر جاری است، تا دریایی که از پارس می‌آید.»

تاریخ‌نگاران هم عصر هخامنشیان و اشکانیان در یونان باستان نظیر «هرودوت»، «کتسیاس» و «کرتفون» و «سلوکس» و «آرتاشان مکرر» به نام «خلیج فارس» به صورت یونانی «سینوس پرسیکوس» اشاره کردند. در نوشته‌های دانشمندان مسلمان نیز از قدیم‌ترین اعمار این نام آمده. یکی از اولین جغرافی‌دانان مسلمان، دانشمند بزرگ به نام «ابن رسته ابویعلی احمد» است که از اصفهان و خاندان عالم‌پور «رسته» برخاسته و در کارنامه‌اش کشف قطب شمال را دارد. وی در سال ۲۹۰ ه. ق. رهسپار حج شد و تصمیم گرفت کتاب «العراق النقیسه» را درباره کتیبه‌ها و درهای مسجدالنبی (ص) بنکارد. چون آغاز به کار کرد، رفته‌رفته بر آن افزود و تصمیم گرفت شهرها و آبادی‌ها، دریاها و رودخانه‌ها که در مسیر سفر به چشم‌موشکافش دیده بود، برای معاصران و آیندگان توصیف کند. «ابن رسته» که شیعه بود، در خلال اثرش، با جزئیات، به هجرت حضرت امام رضا (ع) به ایران که در سال ۲۰۰ ه. ق. روی داد، اشاره کرد. مثلاً از نوشته‌های او می‌دانیم که حضرت امام رضا (ع) زمانی که از شاهراه نیشابور به سوی مرو ره می‌پیمودند، هنگامی که به «دسرخ» قدم نهادند، ظهر بود و در آنجا اقامه نماز کردند.

ذکر این نکته در این جستار از این نظر مهم است که میزان دقت «ابن رسته» را یادآور شویم؛ زیرا هم یکی از کهن‌ترین منابع یادکرد نام خلیج فارس در منابع اسلامی را نگاشت. «ابن رسته» در این اثر «دریای فارس» را «خلیج فارس» و «شعبه‌ای از دریای هند که به سوی فارس باشد و خلیج فارس خوانده می‌شود» معرفی کرد.

سرابیون سهراب از پزشکان و جغرافی‌دانان، در کتاب مهم «عجائب‌الاقالیم السبعه الی نهایه العماره» (ص ۵۹)، آب‌های جنوب سرزمین‌های شرقی خلافت عباسیان را «دریای فارس» خواند. او کتاب را در موضوع جغرافیای تاریخی شهرها و در دورانی نگاشت که بغداد با در آستانه تسخیر دولت آل بویه قرار گرفته بود (حدود ۳۳۴ و ۳۳۵ ق.) یا در دست امرای آل بویه بود.

وی رودخانه‌های میان‌رودان (بین‌النهرین) و سرچشمه آنها را با چنان دقتی تصویر کرد که هنوز مورد تحسین جغرافی‌دانان است. «ابن سرابیون» در این اثر در توصیف خلیج فارس می‌نویسد: «بحر فارس و هو البحر الجنوبي الکبیر» یعنی «دریای فارس اما شاید هیچ اثری در جغرافیای جهان اثرگذارتر و معروف‌تر از کتاب نامی «المسالك والممالک» نباشد، به معنای «راه‌ها و سرزمین‌ها» و نویسندده‌اش «ابراهیم بن محمد اصطخری» آن را در قرن چهارم هجری قمری درباره کشورهای عالم و گذرگاه‌هایی که کشورها را به هم می‌پیوسته، نوشته بود.

وی در «اصطخر» فارس زاده شد و تحصیلات ابتدایی را در همین شهر گذراند. پس از فراگیری فنون مختلف، در سال ۳۰۳ ه. ق. برای دانش‌افزایی در حوزه گیتی‌شناسی به سفر پرداخت. اول سرسراسر سرزمین‌های اسلامی را پیچید و آنگاه رهسپار هند و اقیانوس هند شد و با گروهی از دانشمندان هندی دیدار کرد. دانشی که او فراگرفت، چنان فراز رفته بود که در سال ۳۴۰ ه. ق. در سراسر عالم اسلام او را به عنوان گیتی‌شناس می‌شناختند (دهخدا، ص ۲۲، ۲۳۳۴) و نامش زبانزد محافل علمی بود و او را «پیشوای جغرافی‌دانان مسلمان» می‌خواندند. این بود که آثارش سرمشق تقریباً همه جغرافی‌دانان بعدی شد. اصطخری در صفحه ۲۸ کتاب نوشت: «بزرگ‌ترین دریاها [در سرزمین‌های اسلامی دریای پارس است و دریای روم (مدیترانه) ... هر دو از دریای محیط [آب‌های آزاد پیرامون قاره‌ها] برخیزند و درازا و پهنای دریای پارس، بیشتر از دریای روم و در آخر دریای پارس، سرزمینش باشد.» «ابن حوقل» (وفات: ۳۶۷ ه. ق.) بازرگان و جهانگرد هم عصر اصطخری بود که در نثرتوان در سفرهای بازرگانی گذران و از سرزمین‌های اسلامی تا هند و اسپانیا و بلغار و رود ولگا را درنوردید. او تجزیه و دیده و شنیده خود را به روش علمی گیتی‌شناسان عصر، در دو کتاب نگاشت: یکی درباره سسیسیل ایتالیا و دیگر «المسالك والممالک» (هنام کتاب اصطخری) که «صوره‌الارض» هم خوانده می‌شود. کتاب او در بردارنده توصیف‌ها از سرزمین‌ها، شهرها و راه‌های آفریقای آسیای و اسپانیا و مرزهای جنوبی صحرا، مصر و نواحی شمالی قلمرو اسلام یعنی (ارمنستان و آذربایجان، جزیره میان‌رودان/ بین‌النهرین)، خراسان، جبال، عراق عرب و عجم، کرمان، خوزستان و فارس است.

بنابرآنچه «ابن حوقل» کتاب را بیشتر برای بازرگانان نوشته، درباره خلیج فارس توصیفی طولانی از پیشینیان به دست داد و اولین بار و به تصریح، به دلیل نامیدن خلیج فارس اشاره کرد: «دریای فارس خلیجی از بحر محیط در حد چین و شهر واقع است و این دریا از حدود بلاد سند و کرمان تا فارس امتداد دارد و از میان سایر ممالک، به نام فارس نامیده شده؛ زیرا فارس از همه این تجارت، و به‌ویژه تجارت انحصاری

جنوب و جنوب غرب آسیا، بزرگ‌ترین آرزوی کمپانی بود بنابراین به فعالیت تجاری در هندوستان اکتفا نکرد و در جست‌وجوی راه‌های نفوذ در دیگر بخش‌های منطقه، یعنی سرزمین‌های پیرامون هند برآمد. این میان، ایران به عنوان منطقه‌ای ثروتمند و مستعد تجارت، توجه مقامات کمپانی را جلب کرد تا با ورود به بازار کشور، آن را به یکی از مراکز اصلی فروش کالاهای خود تبدیل کنند.

به همین منظور، نمایندگان به دربار شاه عباس اول صفوی اعزام داشتند و توانستند فرماتی در آزادی بازرگانان کمپانی برای فعالیت تجاری دریافت کنند؛ بدین ترتیب روابط اقتصادی ایران و کمپانی هند شرقی انگلیس شکل گرفت. از آن سو، شاه عباس بزرگ با تدبیر و دانش فوق‌العاده در پی یافتن شریکی برای جنگ با پرتغالی‌هایی بود که بخش‌هایی از جنوب ایران را اشغال کرده بودند. پس با انعقاد قرارداد اتحاد با کمپانی هند شرقی علیه پرتغالی‌ها در ۲۵ صفر ۱۰۳۱ (۹ ژانویه ۱۶۲۲)، امتیازاتی چون حق دریافت نصف عوارض گمرکی بندرعباس را به کمپانی اعطاکرد.

شاه عباس از این ترند برای بیرون راندن پرتغالی‌ها از ایران استفاده کرد و توانست با همکاری کمپانی انگلیسی، البته با دلاوری سردارانی نظیر امام‌قلی خان، پرتغالی‌ها را در بندر هرمز شکست دهد و آنان را از خاک و آب ایران بیرون براند.

شاه عباس برای جلب حمایت انگلیسی‌ها در نبرد علیه پرتغالی‌ها، در فرماتی، به انگلیسی‌ها اجازه داد هر مقدار ابریشم که خواستند، از هر نقطه ایران بخردند و کالاها را بدون پرداخت عوارض به اصفهان وارد کنند. این یکی از مهم‌ترین امتیازات داده شده به کمپانی بود. همچنین اجازه یافتند به اصفهان وارد شوند. (بندرعباس) دفتر تجاری افتتاح کنند، برای بازرگانان اقامتگاه مسکونی بسازند و نصف عوارض گمرکی این بندر از آن انگلیسی‌ها باشد (اسکندر منشی، ۱۳۷۷، ص ۱۶۲۴، ۱۶۲۵). بندرعباس برای تجارت انگلیسی‌ها مناسب‌تر از جاسک بود، زیرا راه بسیار همواری آن منطقه را به پایتخت متصل می‌کرد و انگلیسی‌ها می‌توانستند آسان‌تر کالاها را به ایران حمل کنند (ویلسون، ۱۳۶۸، ص ۱۷۴).

پس از شکست سخت پرتغالی‌ها، شاه عباس اسرای جنگی پرتغالی را مطالبه کرد و گفت: «این‌ها، خواه مسیحی و مسلمان، رعیت کشور من خواهند بود و باید تسلیم من شوند.» همه آنان را به اصفهان فرستاد. همچنین توپ‌های جنگی را تصاحب کرد (تاووزنی، بی تا، ص ۶۸۷) و با این کارها انگلیسی‌ها را تحریک کرد. زیرا سیاست انگلیسی‌ها این بود که اگر در جایی کسب‌وکار مادی می‌کردند، همه چیز را اختیار خودشان باشد. خارج کردن اسرای پرتغالی و توپ‌های غنیمی، به انگلیسی‌ها فواید کم بود (بنا به گفته یکی از معتبرترین وکلای کمپانی هند شرقی): «هیچ فایده‌ای از اینجا مترتب نیست؛ مگر اینکه به کللی در تصرف انگلیسی‌ها باشد و اگر هم خیال اصطخری از اینکه روزی فایده‌ای مترتب شود باقی مانده، آن هم وقتی که شاه عباس از آن نداد که انگلیسی‌ها استحکامات هرمز را در سایر بنادر خلیج فارس بسازند، قطع شد.» (ملک، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۷) شاه عباس اول طمع انگلیسی‌ها را به تجارت در بندرعباس تحریک کرد و پس از استفاده از آنان علیه اشغالگران پرتغالی، با خارج کردن اسرا و تسلیحات غنیمی از بندرعباس، به آنان هیچ‌وجه اگر می‌خواهند در ایران کار کنند، باید طبق قوانین دولت ایران کار کنند. این طهر که در هند و دیگر مستعمرات رفتار می‌کردند. همین موجب شد انگلیسی‌ها «حساب کار دستشان بیاید.» سیاستی که شاه عباس بزرگ در حوزه سیاست خارجی پیش گرفت، «شیخ‌علی خان زنگنه» وزیر اعظم شاه سلیمان صفوی، با قدرت و تدبیر فراوانش بی گرفت «شاردن» جهانگرد فرانسوی که در این دوران از ایران دیدن کرده و شیخ‌علی خان را هم دیده، او را چنین توصیف کرد: «اصولاً به اروپاییان دشمنی می‌ورزید. نه رشوه می‌گرفت و نه توصیه و تخفیف می‌پذیرفت. وجودی فسادناپذیر بود و دائم در این اندیشه بود که با کاستن مخارج بی‌جای دربار... بر اعتبار و قدرت کشور بیفزاید.» «کمپنیر» جهانگرد آلمانی که در سال ۱۰۹۸ ه. ق. شیخ‌علی خان را دیده، درباره‌اش نوشت: «مردی است سالخورده در ۸۰ سالگی، اما هنوز فردی است سرزنده و سواری خستگی‌ناپذیر... مردی است خداترس و پرهیزگار و... شستی قوی

دلوران عرصه پیکار

در کنار توجه فوق‌العاده دانشمندان گیتی‌شناس در یادکرد نام خلیج فارس، باز هم نام خلیج فارس جوادان نمی‌ماند مگر با پایمردی و سلحشوری دلوران غیور ایرانی در میادین جنگ، در خشکی و دریا. داستان خلیج فارس، داستان همین مقاومت‌ها در برابرزاده‌خواهی‌های استثمارگران و غارتگران خارجی است. در پایان قرن ۱۵ میلادی، اروپایی‌ها کوشیدند برای توسعه اقتصادی دست به کشف سرزمین‌های جدید بزنند تا برای محصولات خود بازارهای جدید بیابند یا مواد اولیه ارزان‌تر تأمین کنند. از آن جمله انگلیسی‌ها که اولین کوشش‌ها را برای رخنه در بازار شرق آغاز کردند: «کمپانی هند شرقی» انگلیس که در سال ۱۶۰۰ میلادی به فرمان «ملکه الیزابت» تأسیس شد، وارد هندوستان شد و موقعیت خود را در آن استحکام بخشید. در آن تجارت، و به‌ویژه تجارت انحصاری

دارد برای عدالت، و رشوه نمی‌گیرد.» شیخ علی خان زنگنه همواره درصدد کسب منافع بیشتر برای کشور در مقابل بیگانگان به‌ویژه کمپانی‌های هلندی و انگلیسی و کاستن قدرت و نفوذ آنها در ایران بود و موفق هم شد. (احمدی و خالندی، ۱۳۹۲، ص ۱۲)

ماجرای این بود که «چارلز دوم» پادشاه انگلستان به شاه‌سلیمان نوشت: «کمپانی هند شرقی متضرعانه به دربار ما معروض داشته که... به پاداش خدمات بزرگی که کمپانی به هزینه خود، در کار تسخیر و تصرف قلعه پرتغالی‌ها و شهر و جزیره هرمز کرده... از این پس یا پرداخت نصف درآمد گمرکات بندرعباس به کمپانی، یا موجب آسودگی خاطر مدیران آن ما فراهم کند تا دوستی صمیمانه و صادقانه میان دولت همچنان برقرار و مستدام بماند!» (شاردن، ج ۲، ص ۶۵۶، ۶۵۹، ۶۶۰)

شیخ‌علی خان وقتی می‌دید انگلیسی‌ها با نوشتن این نامه که در حکم تهدید بود، قصد دارند با از گلیم خود درازتر کنند و به خاطر کمک در عهد شاه‌عباس، رفته‌رفته ایران را مستعمره کنند، سخت برآشفتم، چندان که پاسخ ندیدی به «توساس رولیت»، حامل نامه چارلز دوم داد: «انگلیسی‌ها می‌خواهند با مطرح و تجدیدکردن مسائل کهنه و با زدن، ما را ناراحت و خسته کنند... اگر ما را ناراحت و خسته کنند... اگر انگلیسی‌ها در گذشته یک بار خدمت و مساعدتی به ایران کرده‌اند، هزار بار پاداش آن را داده‌ایم و حق دارند بر ما منت نهادند و بیش از آنچه داده‌ایم چیزی طلب کنند... ما در بستن قرارداد هیچ‌گاه پیشقدم نبوده‌ایم و انگلیسی‌ها بوده‌اند که سود و صلاح خویش را در انعقاد قرارداد تشخیص داده و پیشدستی کردند. ما بیش از آنچه باید داده‌ایم و زین پس رعایت حال خود را نخواهیم کرد.» (شاردن، ج ۲، ص ۶۶۱، ۶۶۰) بدین ترتیب بار دیگر با پایمردی یکی از فرزندان ایران، انگلیسی‌ها در نقشه شوم خود برای مستعمره کردن ایران سرخورده شدند. در سال ۱۲۳۶ ه. ق. زمانی که محمدشاه قاجار برای آزادسازی هرات از دست انگلیسی‌ها لشکر کشید، انگلیسی‌ها تصمیم گرفتند برخی شهرهای مهم ساحل خلیج فارس نظیر بوشهر را اشغال کنند تا ایران از هرات که دروازه هند بود، جایی که منافع انگلیسی‌ها قرار داشت دست بردارد. بدین منظور قوای انگلیسی بمبئی را به قصد تصرف خاخرک ترک کرد. میرزا حسن ساری در کتاب «فارسنامه ناصری» این واقعه و نقش شیخ حسن آل عسغور در صدور فتوی‌های جهاد علیه انگلیسی‌ها را شرح داد: «در میانه، از فارس خبر رسید که چهارهزار جنگی دولت انگلیس داخل خلیج فارس گردید و یک فروند کشتی آنها برابر بوشهر آمد و یانصد سرباز از کشتی پیاده شد، در کوتی که خانه بالیوز انگلیس است، منزل نمودند و جناب شیخ محمد مجتهد آل عسغور در این کتبی نامه نوشتند که «حساب کار دستشان



اسناد تاریخی درباره اصالت نام خلیج فارس پرشمار است. داریوش بزرگ هخامنشی در کتیبه «آبراه سوئز» مشهور خود که به کتیبه «آبراه سوئز» مشهور است، می‌نویسد: «من پارسی هستم. از پارس، مصر را گرفتم. من فرمان‌کننده این آبراه را دادم. از رودخانه‌ای که نام لیل که در مصر جاری است، تا دریایی که از پارس می‌آید»

اخراج نمودند و چندین نفر از طرفین کشته گشت. پس انگلیس، جزیره خارگ را تصرف نمودند و سردار آنها گفته: اگر سپاه ایران از تسخیر هرات انگلیسی و کاستن قدرت و نفوذ آنها در ایران بود و موفق هم شد. (احمدی و خالندی، ۱۳۹۲، ص ۱۳، ۱۴)

انگلستان بعد از این ناکامی دوباره تصمیم گرفت به بوشهر حمله و شکست را تلافی کند. «هنل» که فرمانده ارتش بریتانیا بود، درخواست نیروی بیشتر کرد و انگلیس هم آمبرال «میلند» را با ناو جنگی «ولزلی» رهسپار خلیج فارس کرد و آنان به بوشهر وارد شدند. روزی که ناوانگلیس می‌خواست وارد بوشهر شود، یکی از سربازان ایرانی ممانعت کرد و همین، باعث زد و خورد سربازان ایرانی و انگلیسی شد. (کلی، ۱۳۷۳، ص ۴۵)

قوای دولتی نیز همگام با اهالی دشتستان و تنگستان (به مرکزیت دلوار) به مقابله با نیروهای انگلیسی برخاستند و جنگ سختی در «خوشاب» در نزدیکی ترازجان درگرفت که به‌رغم تجهیزات ابتدایی قوای ایرانی، تلفات بسیاری به اشغالگران وارد آمد؛ اما سرانجام جنگجویان تنگستانی و دشتستانی شکست خوردند و دولت ایران به ناچار از محاصره هرات دست کشید. در زمان ناصرالدین‌شاه که به همت حسام‌السلطنه و با تدبیر امریکبیر، هرات بازپس گرفته شد، انگلیسی‌ها مجدداً در طول ارون‌درو به خاک ایران تا اهواز تجاوز کردند. حسام‌السلطنه کتباً به ناصرالدین شاه نوشت «من می‌توانم از طریق تنگه خیبر، دره سند را که در تصرف انگلیسی‌هاست، در اختیار بگیرم تا از طریق این اهرم فشار، انگلیسی‌ها از خاک ایران بیرون رانیم.» شورشخانه، این زمان، امریکبیر به غدر دشمنانش به شهادت رسیده بود و امور مملکت در دست آخان توری بود که پیوند محرمانه‌ای با مهدعلیا و کاردار انگلیس داشت. ماجرا به «عهدنامه پاریس» (۱۸۵۷/۱۸۵۷م) انجامید که بر اساس آن هرات از ایران جدا شد. به دنبال آن، نیروهای انگلیسی هم از بوشهر و خارگ بیرون رفتند.

چیزی نگذشت که با شروع جنگ جهانی اول انگلیسی‌ها که در آرزوی دستیابی به بوشهر به عنوان پایگاه تجارت ایران در جنوب و بندری در مسیر تجاری خلیج فارس به شیراز بودند، فرصت را غنیمت شمرند و با ۲۰ هزار سرباز به بوشهر حمله کردند. مردم کل منطقه بوشهر با فتوای جهاد سید عبدالحسین لاری، آیت‌الله سید عبدالله مجتهد بلادی بوشهری، آیت‌الله شیخ محمدحسین بزازجانی و آیت‌الله شیخ عبدالنبی بجزانی و به رهبری رئیس‌علی دلواری (پسر کدخدای دلوار و سرشناسان تنگستان)، زائر خضرخان تنگستانی (ضابط تنگستان که از سوی حجج اسلام در نجف اشرف ملقب به امیراسلام شده بود)، شیخ حسین خان چاکو‌کوتاهی که فقه به سالار الاسلام، و شیخ برادرزاده آن جناب و باقرخان تنگستانی، با اهالی بوشهر از دام نموده، تمامی سربازها و بالیوز را از شهر کردند. انگلیسی‌ها برای آرام کردن

هدف تحریف‌کنندگان چیست؟

علت این بیان طولانی درباره خلیج فارس بررسی همه منابع موجود از حدود ۲۵۰۰ سال پیش تاکنون بود. «دوستان عرب ما در کشورهای حاشیه جنوب خلیج فارس به چه منظوری این نام کهن و جاافتاده را درگروم می‌کنند؟ دنیا می‌داند که تغییر نام خلیج فارس به نامی مجعول به هیچ‌وجه کار دوستانه و شرافتمندانه‌ای در عرف بین‌الملل نیست و ناقض تمامیت ارضی ایران است. لذا جمهوری اسلامی ایران در برابر آن با تمام قوا ایستاده و خواهد ایستاد.



بیش

آگهی مزایده عمومی شماره ۱۴۰۵/۰۲ شرکت صنایع معدنی نوظهور کویر باقی (سهامی خاص)

نزد بانک راه به نام شرکت صنایع معدنی نوظهور کویر باقی به همراه معرفی نامه از طرف شرکت کنندگان.
۵. نحوه دریافت اسناد:
۱. آدرس دفتر مرکزی: باقی - شرکت اشهر - پلاک ۲۸۹ به کدپستی ۳۵۳۸۳۲۰۱-۹۹۷۵۱۳۲۳۰۱ به شماره تماس ۰۲۱-۳۵۳۸۳۲۰۱
همچنین جهت دریافت اسناد مزایده و سایر شرایط به آدرس www.nomico.co و یا از طریق ایمیل سازمانی CS@nomico.co مراجعه نمایید.
۶. آخرین مهلت تسلیم پیشنهادها: ساعت ۱۶:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۲۳ اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۵.
۷. طبق قانون برگزاری مناقصات، دستگاه مزایده‌گزار (شرکت صنایع معدنی نوظهور کویر باقی) مختار است در رد یا قبول کلیه پیشنهادها و همچنین در ابطال فرآیند مزایده، با رعایت کامل ضوابط قانونی، اقدام نماید و این آگهی هیچ گونه تعهدی برای شرکت ایجاد نمی‌کند.

شرکت صنایع معدنی نوظهور کویر باقی در نظر دارد در راستای اجرای فرآیندهای فروش و براساس مقررات قانونی، بخشی از گلوخه سنگ آهن مگنتیت خود را از طریق مزایده عمومی به اشخاص حقیقی یا حقوقی واجد شرایط واگذار نماید.
۱. موضوع مزایده: فروش گلوخه سنگ آهن مگنتیت با دانه بندی (کمتر از ۱۰۰۰ میلیمتر) به مقدار ۱۰۰ هزارتن با عیار آهن ۳۶±۲ درصد به صورت تحویل درب معدن سنگ آهن آتومالی شمالی و براساس مشخصات فنی مندرج در اسناد مزایده.
۲. مدت قرارداد: ۳ ماه شمسی و قابل تمدید براساس شرایط مزایده.
۳. زمان دریافت اسناد مزایده: از تاریخ روز شنبه ۱۳ اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۵ لغایت پایان وقت اداری روز شنبه ۱۹ اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۵.
۴. مدارک مورد نیاز جهت تحویل اسناد مزایده: واریز مبلغ ۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰ (پانزده میلیون) ریال به شماره شبای ۰۲۷۵۰۱۴۲۶۵-۹۶۱۰۳۱۰۰۰۰۰۰۰۰ IR



نزد بانک راه به نام شرکت صنایع معدنی نوظهور کویر باقی به همراه معرفی نامه از طرف شرکت کنندگان.
۵. نحوه دریافت اسناد:
۱. آدرس دفتر مرکزی: باقی - شرکت اشهر - پلاک ۲۸۹ به کدپستی ۳۵۳۸۳۲۰۱-۹۹۷۵۱۳۲۳۰۱ به شماره تماس ۰۲۱-۳۵۳۸۳۲۰۱
همچنین جهت دریافت اسناد مزایده و سایر شرایط به آدرس www.nomico.co و یا از طریق ایمیل سازمانی CS@nomico.co مراجعه نمایید.
۶. آخرین مهلت تسلیم پیشنهادها: ساعت ۱۶:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۲۳ اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۵.
۷. طبق قانون برگزاری مناقصات، دستگاه مزایده‌گزار (شرکت صنایع معدنی نوظهور کویر باقی) مختار است در رد یا قبول کلیه پیشنهادها و همچنین در ابطال فرآیند مزایده، با رعایت کامل ضوابط قانونی، اقدام نماید و این آگهی هیچ گونه تعهدی برای شرکت ایجاد نمی‌کند.